

معرفی رساله نصایح دانیالیه از شیخ شهاب بن علاء ابن علی دانیالی جهرمی و تصحیح نسخه خطی آن

محمد جواد ناسک جهرمی

دانشجوی دکتری رشته ادیان و عرفان تطبیقی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد
nasek1364@gmail.com

چکیده

شیخ شهاب دانیالی فسوی جهرمی از عارفان و شاعران کمتر شناخته شده قرن دهم ه.ق است. رساله نصایح دانیالیه، نام یکی از آثار منثور شیخ شهاب است که در واقع، نوعی نصحیت‌نامه محسوب می‌شود. شیخ شهاب این نصایح را به یکی از حاکمان و بزرگان لار در عصر خود نوشته و از مضامین اخلاقی و عرفانی برخوردار است. نسخه خطی این اثر به زبان فارسی و در پایان مثنوی بحرالعارف شیخ شهاب آمده است. در این تحقیق، رساله نصایح دانیالیه، براساس نسخه موجود در کتابخانه مجلس به شماره ۹۳۷۱ تصحیح و معرفی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: دانیالیه، شیخ شهاب، جهرم، بحرالعارف، قرن دهم ه.ق

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱. مقدمه

بررسی آثار و اندیشه عارفان و صوفیانی که در شناخت فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی تأثیر گذار بوده ولی خود، کمتر شناخته شده هستند، محل تأمل و تدقیق است.

شیخ شهاب بن علاء ابن علی دانیالی جهرمی نیز که از عارفان و شاعران بزرگ اما مهجور قرن دهم هجری قمری است؛ در جنوب فارس و در شهر جهرم، زندگی و سرنوشتی توأمان با زهد و عرفان داشته است.

مهم‌ترین منابعی که گویای حالات و زندگی وی می‌توان برشمرد، مربوط به ۵ اثر نفیسی است که از او بوده و باقی مانده‌اند. جواهر الإدرج و زواهر الأبراج، [۲ و ۱] مثنوی بحرال معارف، [۳] نصایح دانیالیه [۴]، رساله‌ی فقریه، [۵] و مصباح السالکین [۶]. رساله فقریه و مصباح السالکین به زبان عربی است اما جواهر الإدرج آمیخته به زبان عربی و فارسی بوده و تنها، مثنوی بحرال معارف و نصایح دانیالیه به زبان فارسی است.

علاوه بر این منابع، به نظر می‌رسد تنها منبع که راجع به شرح حال شیخ شهاب نکاتی تاریخی دارد، مربوط به کتاب ریاض الحکمای میرزا عبدالله افندی اصفهانی از مورخین قرن دوازدهم ه.ق است.

میرزای افندی در اثر خود، یک صفحه راجع به شیخ علی دانیالی جهرمی نوشته است که این شیخ علی دانیالی جهرمی همان شیخ شهاب بن علاء بن علی دانیالی است. [۷، ج ۴، ص ۸۱]. صاحب معجم المؤلفین نیز ضمن چند نیم سطر به شیخ شهاب و اثر نفیس او یعنی جواهر الإدرج اشاره می‌کند. [۸، ج ۷، ص ۱۸۹]. علامه دهخدا در لغت نامه، کلام معجم المؤلفین را ترجمه کرده، [۹، ج ۱۰، ص ۱۴۲۹۴] و آقا بزرگ طهرانی متن میرزا عبدالله افندی را تلخیص نموده است. [۱۰، ج ۵، ص ۲۶۰]. دکتر قراگوزلو ذکاوتی در دایره المعارف تشیع [۱۱، ج ۷، ص ۴۳۰] و نیز محمد کریم اشراق در بزرگان جهرم بیشتر بیان میرزا را نقل قول کرده‌اند [۱۲، ص ۱۲۹]. در دست نوشته‌های ایران (دنا) نیز اسم شیخ شهاب بن علاء بن علی دانیالی با عنوان «علی بن علاء دانیالی» ذکر شده است. [۱۳، ج ۱۱، ص ۴۸۴]. در تذکره نصیرآبادی نوشته‌ی محمد طاهر نصرآبادی مورخ قرن ۱۱ هجری که به طور مفصل بخشی را به شعرای عصر صفوی اختصاص داده است، هیچ نامی از شیخ شهاب جهرمی صاحب مثنوی طویل بحرال معارف نیآورده است. [۱۴].

۲. پیشینه تحقیق

تحقیق مستقلی راجع به نصایح دانیالیه تألیف نشده و تصحیح نسخه خطی آن نیز صورت نگرفته است. اما پیش از این نگارنده این تحقیق، در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی دو اثر ناشناخته از عبدالله قطب بن محیی و معرفی شاگردش شیخ شهاب دانیالی» به زندگی و معرفی اجمالی آثار شیخ شهاب از جمله نصایح دانیالیه پرداخته است. [۱۵].

۳. گذری بر زندگی و آثار شیخ شهاب دانیالی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۳-۱. زادگاه، اسم و نسب شیخ شهاب

میرزا عبدالله افندی، شیخ شهاب دانیالی را از علمای محدث و اهل تصوف در زمان شاه طهماسب صفوی معرفی می‌کند [۶] و از آنجا که شیخ شهاب‌الدین در بحرالمعارفش، شعری در وصف و مدح شاه طهماسب صفوی سروده است، این مطلب صحیح خواهد بود. [۲].

اینکه نام کامل شیخ شهاب دانیالی، شهاب بن علاء بن علی دانیالی است؛ با توجه به رساله‌ی الفقریه و جواهرالادراج اوست. نام شیخ در رساله‌ی الفقریه اینچنین آمده است: «شهاب بن علاء بن علی دانیالی» [۴، ص ۶]. اما چنانچه اشاره شد، منابع و مراجعی که به شیخ اشارتی دارند، او را به نام کامل و واقعی نخوانده‌اند. حتی میرزا عبدالله افندی در ریاض الحکمایش می‌نویسد: «الشیخ شهاب‌الدین علی الدانیالی النسوی البرازی ثم الجهرمی» [۷، ج ۷: ص ۸۱].

دکتر ذکاوتی درباره‌ی انتساب شیخ شهاب دانیالی به دانیالی معتقد است که به مناسبت نام جدش رکن‌الدین دانیال در شهر فسا است. این رکن‌الدین دانیال به گفته خود شیخ، از بزرگان صوفیه و عرفان عصر خود بوده و نسبت فسائی وی نیز بخاطر سکونت آل رکن‌الدین در شهرستان فسا است. [۱۰، ج ۷ ص ۴۳۰]. در صورتی که رکن‌الدین دانیال در خنج بوده و شاید نوادگانش در فسا بوده‌اند. چراکه شیخ شهاب در کتاب جواهرالادراج خود، اشاراتی به نحوه مهاجرت‌ها و مسافرت‌های خود داشته است و می‌نویسد: «...إلی وصل وطنی الموسوم بفسا» که می‌توان نتیجه گرفت؛ ایشان اصالتا فسایی است.

در ادامه نیز، اشاره می‌کند که در جوانی تصمیم می‌گیرد به زیارت جدش شیخ رکن‌الدین و الحق دانیال حرکت کند و به همین منظوره سمت جهرم آمده و در این شهر سکونت می‌کند. ایشان در همان کتاب نسخه خطی جواهرالادراج می‌نویسد: «قریب نه سال متردد بودم در جبال جهرم و غیر آن و یک قرن در مدینه‌ی جهرم مسکن و آشیانه ساختم بقانون غریبان...» [۱، ص ۹۲]. اما در سرزمین فارس و خطه جنوب و نیز محتوای رسالات برجای مانده از آن شیخ، باید گفت که تنها در شهرستان خنج شاهد بقعه‌ای به نام شیخ دانیال از عارفان قرن هفتم هجری هستیم.

هم اکنون مناره معروفی بر مزار شیخ دانیال خنجی وجود دارد که ارزش تاریخی دارد و علاوه بر این موضوع، نام خانوادگی دانیالی در شهر خنج مربوط به یکی از بزرگترین طوایف خنجی است.

در رساله مصباح‌السالکین شیخ شهاب، نیز به خنج اشاره شده است. و نشان می‌دهد در این شهر مدتی سکونت و در جوار مقبره‌ی جدش، اعتکاف داشته است. [۶]. اما توجه شیخ، بیشتر به جهرم بوده و در اشعار خود از این شهر بسیار یاد کرده است. وی، در قصیده روضه‌الازهار که در متن جواهرالادراج هم آمده و بصورت مجزا نیز می‌توان اثر دیگری از شیخ شهاب معرفی کرد، می‌سراید:

شده مأوای این مسکین مطعون حالیا جهرم مؤید باد طاعات و خشوع و صدق سکانش
نباشد این مدینه خالی از مردان مستبصر نظرگاه درون تاریک باشد دل سیاهانش

[۱، ص ۴۱]

شهر جهرم گشت زان مأوای ما که تهی نبود زاصحاب صفا

[۲، ص ۷۹].

شهر جهرم بد مدتی مأوای من گنج فقر و مسکنت شد جای من

[۲، ص ۱۰۹].

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

گزارش دقیقی از تاریخ وفات شیخ شهاب بیان نشده است اما براساس یک بیت شعر از خود او به ۵۴ سالگی اش می‌توان اشاره کرد. وی سروده است

سال عمر من بود پنجاه و چار شرع بوده منعدم لیل و نهار. [۲].

۳-۲. اساتید شیخ شهاب

میرزا عبدالله افندی در ریاض، علامه دوانی و امیر غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی را از اساتید شیخ دانسته است. [۷] اما ضمن توجه به آثار شیخ، یکی از پیران و اساتید شیخ شهاب را عبدالله قطب بن محیی صاحب مکاتیب می‌توان نام برد. این موضوع از توجه وافر شیخ شهاب به مکاتیب عبدالله قطب و نیز سفر او به نواحی کناره‌ی خلیج فارس، احتمالاً برازجان روشن می‌شود. [ر.ک ۱۱]. مثلاً یکجا در رساله الفقریه می‌نویسد:

«و من طلب مزیداً علی هذا فلیطلب من التصنیفات القدسیات للحضرة العلیه المقدسه المنوره القطبیه حفت بالانوار القدسیه من الفارسیات و العربیات خصوصاً کتاب المکاتیب و الکلام فی کمالات مصنفها و...» [۵].

عبدالله قطب بن محیی که نامه‌های او گنجینه‌ای از معارف دینی و تصوف محسوب می‌شود؛ در قرن نهم ه.ق در جنوب شیراز و در چند کیلومتری جهرم، شهرکی را به نام اخوان آباد به کمک یاران خود و برای تحقق اهدافی معنوی و اجتماعی تأسیس کرد. با توجه به رساله الفقریه و دیگر آثاری که شهاب دانیالی ذکر شد، می‌توان گفت که شیخ شهاب ضمن سفر به اخوان آباد، عبدالله قطب بن محیی را ملاقات کرده است.

۴-۰ ریخت شناسی و ساختار نسخه خطی

۴-۱. معرفی و مشخصات ظاهری نسخه

رساله نصایح دانیاله در پایان مثنوی بحرال معارف در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران به شماره ۹۳۷۱ ثبت و ضبط شده است. کاتب نسخه را «احمد بن محمد بن احمد» دانسته و تاریخ کتابت نسخه در روز جمعه ۲۰ ذی‌قعدة ۹۴۴ق. گزارش شده است. [۱۶]. آغاز نسخه پس از بسمله با این عبارت است که «این مکتوبیست مشتمل بر نصایح سدیده ... سلام الله تعالی علیک یا نظام الاسلام و ملجا المسلمین فراغتی که در فضای جمعیت آن باد تفرقه نوزد» و پایان نسخه با این عبارت که «والله یعصمک من جمیع الافات فانه مجیب الدعوات و عالم». صفحات محرر به زر و مشکی و لاجورد، صفحه آغاز دارای سرلوح مذهب است. از دیگر مشخصات ظاهری اثر می‌توان به نوع خط آن که خط نسخ باشد، اشاره کرد. همچنین، یادداشت‌های مربوط به نسخه موجود، هم در متن و هم در حاشیه صفحات درج شده است. [۱۶].

علاوه بر این مشخصات ظاهری، لازم است یادآوری شود که نثری روان و آمیخته به سجع از ویژگی‌های ادبی و آرایه‌های بکار رفته در رساله نصایح دانیاله است.

۴-۲. مخاطب رساله؛ نظام الدین محمود

به نظر می‌رسد مخاطب رساله نصایح دانیالیه یکی از فرزندان عبدالله قطب بن محیی صاحب مکاتیب باشد. چرا که فرزند کوچک عبدالله قطب بن محیی، «نظام الدین محمود» نام داشته است. [۱۷].
در خاتمه‌ی یکی از مکاتیب عبدالله قطب نیز آمده: «جماعت این جانب همه به سلامت‌اند و سلام و تحیت می‌رساند خصوص فرزند نظام الدین محمود. قراین نشان می‌دهد این که از او نام برده شده و همانام است با نیای قطب، فرزند اوست.» [۱۷، ص بیست و هفت].
شیخ شهاب دانیالی هم، در رساله فقریه از کسی به نام نظامیه محمودیه نام می‌برد که به نظر می‌رسد همین فرزند عبدالله قطب باشد. وی در فقریه می‌نویسد:

«الله الله فانی أجهل خلق الله الكريم الرحيم الرحمن و كالأرض تحت أقدام أهل العلم و العرفان و أسئل الله القديم المنان أن يعصم من جميع الافات كل الإخوان أيها الإخوان أين الوداد و الإتحاد و أين الاخوه و حسن الاعتقاد واعجباً من الحضرة العليّه الجليّه النظاميه المحموديه كيف يعطى الألوف و لأيعطى الحروف سُجود [يجود] على الأغيار الدرهم و الدينار و لايجود على الأبرار الطومار لم استحسن و قطع المكاتبه و المراسله و قطع علايق الاخوه و المصاحبه أحاطاً حب تلك الحضرة العليّه على قلب شهاب بن علاء الدانیالی أحاطه النور بالمراه الجلی فلی كبد داميه تحتها محبه ساميه إن الله تعالى قدلاح على الشهاب أن تلك الحضرة العليّه من ذوی الألباب و إن ذوی الألباب یحبون الفقراء و المساکين و أصحاب المعرفه و أرباب الاداب.»^۱

اضافه بر این موضوع، متن رساله نصایح دانیالیه که یکی از پنج اثر مهم شهاب محسوب شده و در این مقاله تصحیح شده است. این نصایح و نامه را شهاب دانیالی در زمانی که به لار می‌رود به نظام الدین محمود نوشته است. در آغاز رساله نصایح دانیالیه آمده است: «این مکتوبی است مشتمل بر نصایح سدیده که حضرت قدسیه غوثیه شهابیه علیه دانیالیه به حضرت علیّه جلیّه نظامیه محمودیه نوشته در آن تاریخ که به لار فرموده بودند و این فقیر حقیر یوسف شاد جمال الدین بایزید دیلمی از نسخه شیخ جمال الدین شیخ محمد نقل کرده» [۳].

نکته مهم این نسخه، راجع به نصایح دعوت‌گونه شیخ شهاب است. از آنجا که نظام الدین محمود به اشاعه اعتقادات اهل سنت در لار پایبند بوده [۱۶، بیست و هشت]. و شیخ شهاب بر مذهب تشیع به آن شهر سفر می‌کند؛ به نظر می‌رسد از نظام الدین محمود می‌خواهد به متابعت آل عبا و معنی آیه (اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم) [نساء/۵۹]. بیشتر توجه کند. بخشی از متن رساله نصایح دانیالیه به شرح ذیل است:

«و علمای اسلام گاهی به سعادت اخروی شوند مقرون که جمیع حرکات و سکنات سازند به میزان شرع و معیار عدل موزون، اصل الاصول عصیان و فترات و کدورات نماید در مهر و وفا، و صدق و صفا بیفزاید و هر شام که خلق بر حسن افق شود پیدا [بینا] بیفزاید. در متابعت آل عبا؛ خرم دل مؤمنی [که] اروی دل و جان به سوی قبله متابعت و مطاوعت سلطنت تخت شریعت و شاه بارگاه طریقت

^۱ خدایا خدایا خدایا! پس همانا من هستم نادان ترین بنده خدای کریم رحیم و رحمان و خاک پای اهل علم و عرفان و درخواست دارم از خدای قدیم و منان که نگهدارنده از جمیع افات جمیع برادران را. ای برادران کجاست؟ دوستی و اتحاد و کجاست؟ برادری و حسن اعتقاد. خوب شگفتا! از حضرت علیه جلیه (نظامیه محمودیه) چگونه عطا می کند دوستی را و عطا نمی کند حرف ها را می رساند بر اغیار درهم و دینارو نمی رساند بر نیکان. طومار نوشتن فایده ای ندارد و نامه نوشتن قطع شده و علاقه برادری و همتشینی قطع شده و احاطه کرده است عشق آن حضرت بر قلب شهاب بن علاء دانیالی. احاطه نور بر آیینه روشن. پس برای من جگر خونینی است که در زیر آن محبت بلندی است. همانا خدای تعالی روشن ساخته بر شهاب که آن حضرت از دارندگان بینش است و همانا صاحبان بیش دوست دارند فقرا و مساکین و اصحاب معرفت و ارباب آداب را. (ترجمه از نگارنده).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

نهاد و مواد مهر و وفا کرده آماده و حلقه اشتغال اوامر و نواهی اووالامر در گوش و آیه کریمه‌ی (اَطِيعُواالله و اَطِيعُواالرَّسول و اِوالأمرِ مِنْكُمْ) [نساء/۵۹]. نکند فراموش و معانی آن مبین است بر دل عالی که رواء بر جوسا دوام می‌کرد مرشح و اگر بواسطه‌ی غلبت شهوات عمل نکنند به نصایح این خاکسار و التفات کنند به سخنان منکران این احقر طالبان و راهزنان و فتنه انگیز بلند، در حال و مال میشوند ملول و مکدر و معاقب و پریشان . بیت

وقت غنیمت شمرُور نه چو فرصت گذشت آه که را داد سود، ناله که آمد بکار «[۴].

به دیگر سخن شیخ شهاب طی این نامه از نظام‌الدین محمود می‌خواهد که به سمت محبت و اطاعت اهل بیت و ائمه هدی شیعه بگردد و در پایان با گفتن یک بیت شعر، به اهمیت وقت و فرصت شناسی پرداخته است.

۴-۳. گناه دریا نیست

از دیگر نکات مهم این نسخه که محل تأمل جدی است، اشاره شیخ شهاب به یک بیت منسوب به فردوسی و دیگران است. شیخ شهاب در نصایح دانیالیه این بیت را اینگونه آورده است:

شدم به بحر و زدم غوطه و ندیدم دُرُ گناه بخت نیست، این گناه دریا نیست. [۴].

در تحقیقی که راجع به این بیت شعر تألیف شده است، [۱۸]. هیچگونه نشانه‌ای از واژه «بحر» در مصرع اول به چشم نمی‌خورد. بیشتر اینگونه روایت شده است که

چه غوطه ها که زدم اندرو ندیدم دُرُ گناه بخت من است آن گناه دریا نیست. [۱۸].

یا آمده است که

شدم به دریا، غوطه زدم، ندیدم دُرُ گناه بخت من است آن گناه دریا نیست. [۱۸].

اما به نظر می‌رسد تنها کسی که این بیت شعر را در مصرع اول با واژه «بحر» بیان کرده است، شیخ شهاب دانیالی است.

۵. تصحیح نسخه خطی نصایح دانیالیه

بسم الله الرحمن الرحيم

این مکتوبی است مشتمل بر نصایح سدیده که حضرت قدسیه غوثیه شهباییه علیّه دانیالیّه به حضرت علیّه جلیّه نظامیه محمودیه نوشته در آن تاریخ که به لار فرموده بودند و این فقیر حقیر یوسف شاد جمال الدین بایزید دیلمی از نسخه شیخ جمال الدین شیخ محمد نقل کرده.

سلام الله تعالی علیک یا نظام الاسلام و ملجاء المسلمین؛ فراغتی که در فضای جمعیت آن باد تفرقه نوزد بر وجه اجمل باد محصل و دیده‌ی دلش به حکل الجواهر معارف و حقایق مکتحل، و جناح طائر علمش در فضای عرفان گسترده، و نقوش و تصاویر مظلّمه از صفحات صحایف درون و برونش سترده، تجرّع کأس فراق طعم هم ارقم دارد. عالم عامل است که در این مزرعه فانیه، جز تخم دولت ابد و سعادت سرمد نکارد نامه نامدار در اطیب اوقات، بقیه الاذکار امیر عماد الدین محمد اسعده الله تعالی رسانید. دل درد هجران دیده را راحت دوا بخشید در تحریر صحایف دعا که دسترس فقرا و مساکین است و عبادت سازند مبسوط و رای رفیع به مصالح

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

دین، و یقین گردانید منوط تا هر نور که از پرده غیب جمال نماید به کمال نخست به نظر دل عالمش شود ملحوظ، و ذات شریفش از آفات گردد محفوظ، در حفظ انفاس نفسیه شریطه و تدارک مافات کوشند و شراب محبت محبوبات فانیه از جام غرور و غفلت چون بی خبران ننوشند و نقود کنوز مکارم زاهره و اخلاق طاهره بر مفارق دلها [ی] آشنا و بیگانه افشاند و مهر وهاب علی الإطلاق بر جای آن نشاند. فروغ طلعت سیه دل عالمی و شیخی و مرشدی بود در ظلمات عرصات، چون لمعات مهر سینه ظلمت زدای که صیت افادت و افاضات و محاصات و ذکر و فکر و صبر و شکر و توکل و مکاید [آتش] بود. چون نسیم صبا جان پرور و جهان پیمای اگر خواهند که مراکب صبا فرمان سلطنت پناهی ظل الهی و نور ارشادش در اطراف شود روان، کواکب فراحم و مکارم و اخلاق حمیده بیشتر از پیشتر درخشان قوائم سریر سلطنت امیر عالی شأن سعید امیر هارون الرشید و برادر عالی شأن ایشان علیهما الرحمه و الغفران، که از اخلاص احباب این بنده مسکین بودند از آن نشد محروس از آفت اختلال و غبار زوال، که در آخر کار نسیمات نصایح نافعه ورزید و رشحات معانی جمیله می چکید و ایشان از ظروف حروف این بنده مسکین رحیق تحقیق ننوشند و در بی التفاتی و تحقیر این فقیر کوشند

بیت

شدم به بحر و زدم غوطه و ندیدم درُ گناه بخت نیست، این گناه دریا نیست

یکی از نصایح این بود که یکی از ملوک و ارباب علم و سلوک، بدرگاه عالی پناه فرستند یا کسی که صلاح دانند تا مگر اعادی و حسده در مزابل مذلت شوند مطروح، و ابواب مسرات و راجات بر روی دلهای ساکنان مدینه مروحه «لار» حرسها الله تعالی عن البوار شود مفتوح، ظاهر و باطن ساکنان مدینه مروحه «لار و توابع» نه آن درجه دارد که به پای تقریر بذروه بیان آن توان رسید و به دست تحریر توان کرد ساحت مساحت شرح آن. بنابراین می خواهم که راضی شوند و خشنود محبان و غلامان حضرت سیاهی که همای رحمت عالی اش سایه سلطنت انداخته بر مفارق خواقین اقالیم و سلاطین تا جبار عالی شأن وقت آن است که در اعلاء آیات نیت صیافیه و اعمال صالحه و املاء آیات خیرات و مبرات وافیه اصرار بر صغائر و کبائر است و عجب و حقد و حسد و رسوم و عادات معانی. آیة کریمه ی (فَلَا تَعْرَنَّهُمُ الْحَيَوهُ الدُّنْیَا وَ لَا یَغْرَنَّهُمُ بِاللَّهِ الْعَرُورُ) [لقمان/۳۳].

لایح نیست بر ارباب غفلات و اهل غرور بارگاه شوکت و سریر رفعت، بی خبران مغرور و روز قحط رسیدگان، خشک سال غفلت و غرور، چند روزی مروج است و معمور و عقوبات و کدورات حال و قال ایشان به سواد شب و بیاض روز است مصطور، حالیا و آیات اقبال و جاه و جلال جهله و ظلمه و ارذال است منصور. نکته چند از قصه مصورات مظلومه و اخلاق مذمومه و خرقة پوشان و باده نوشان بر لوح دل شکسته این دعاگوست مسطور، و سراپرده سیه است مستور، بر عهده که گذارد که در اوقات ملاقات به دست مهر مهر از آن بردارد حالیا اکثر خرقة پوشان و باده نوشان دشمن نوازند و دوست سوز و صورت و بی خبرند از برق قهر و ناوک والدور. مؤمنی که در سر و علانیه اقتدا کرده به سید المرسلین و ائمه معصومین صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین، عاقبت الامر مستفیض خواهد شد و برخوردار از نقد مخزن الاسرار. مؤمن محقق آن است که مدام نقش صحیفه دلش بود مهر آل عبا خواه پشمینه پوش، خواه قبا. هر صبحدم که مهر مستتیر به اوج فلک مستد برآید از تتق جمال به کمال معرفت دارد بردوش خاطر؛ عالم بی عمل [پیداست] عقیم و دلش و جانش بی خیراست از معانی. آیة کریمه ی (یَوْمَ لَا یَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِیمٍ) [شعرا/۸۸و۸۹].

اهم مهمات حکام اسلام و علماء عظام آن است که برگردند از راه هوا و روی آئینه دل خالص و خالی کنند از زنگ شرک و شک و حرص و بخل و عجب و ریا و تأمل کنند در معانی آیة کریمه (واضرب لهم مثل الحیوه الدنیا کما أنزلنا من السماء فأختلط به نبات

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

الأرض فأصبحَ هَشِيمًا تَدْرُوهُ الرِّيحُ وَ كَانَ اللهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا [كهف/۴۵] سعی فرمایند که به مقامی رسند و از خمخانه چاشنی یابند که از خود و غیرشان نباشد خیری و از نام و نشان شان در میان بی خبران نماند اثری.

القصه؛ چهره عروس بحر به غالیه تفرید سازند نگاشته، تا اعلام معالی بر وفق ارادت شان شود افراشته. چون نقاش حقیقی در منزل بر روی لوح دلم به قلم الله مهر ایشان نگاشته و در برابر دیده جانم داشته به این حروف سقیمه مصدع شد تا دل عالمش میل نکند به منصبی که آخر غبار غزل بر حاشیه بساط آن می نشیند و دولتی به طلبد که آخر دیده دشمن زوال می چپند، اگر عمل کند به نصایح این احقر آل دانیال منشور عافیت و فراق و بهجتش به تاریخ خلود می شود و شح و نهال ایمان و عرفان و یقینند.

افزود^۲ اواخر احوالش باد محمود، به شکرانه آنکه در این بیت الاحزان شدند سرافراز مدام راحت رسانند به ساحات دل های مستفیدان و خاک نشینان آستان عجز و نیاز تا عمرش در ابتهاج و ارتقاء مدارج کمال شود دراز و تاجی از ترک حظوظ دنیویه دنیه ملعونه بر سر جان نهد و خلعت تجرید و تفرید به دل پوشد و بساط افاده التفات کردند به سخنان فتنه انگیزان و فسقه و ظلمه‌ی ضلال و فراموش فرمودند نصایح این احقر آل دانیال. نامه مشتمل به نصایح مفیده و معانی سدیده به حضرت سلطنت پناهی ظل الهی و به آن حضرت ارشاد دستگاهی حقایق آگاهی نوشته بودم طریق لطف و عاطفت کرده بودند مسدود و جواب صواب نرسیده و از مطالع و مقامع آن حروف سقیمه بکوشند و مدام شراب عدل و بذل از جام لسان نوشته و زیاد از این بکوشند در تجرع کأسانه مرادات نفسانی در این خرابات دخانی فانی تا فارغ و آزاد شوند از قیود و همدم و محق و پریشانی دولت دنیوی حکام و علمای اسلام گاهی به سعادت اخروی شوند مقرون، که جمیع حرکات و سکنات سازند به میزان شرع و معیار عدل موزون. أصل الأصول عصیان و فترات و کدورات نماید در مهر و وفا، و صدق و صفا بیفزاید و هر شام که خلق بر حسن افق شود پیدا [بینا] بیفزاید در متابعت آل عبا. خرم دل مؤمنی [که] روی دل و جان به سوی قبله متابعت و مطاوعت سلطنت تخت شریعت و شاه بارگاه طریقت نهاد و مواد مهر و وفا کرده آماده و حلقه اشتغال اوامر و نواهی اووالوالامر در گوش، و آیه کریمه‌ی (أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) [نساء/۵۹] نکند فراموش، و معانی آن مبین است بر دل عالی که رواء بر جوسا دوام می کرد مرشح و اگر بواسطه‌ی غلبات شهوات عمل نکنند به نصایح این خاکسار و التفات کنند به سخنان منکران این احقر طالبان و راهزنان و فتنه انگیز بلند، در حال و مال می شوند ملول و مکدر و معاقب و پریشان .

بیت

وقت غنیمت شمُر ور نه چو فرصت گذشت آه که را داد سود، ناله که آمد بکار

والله يعصمك من جميع الآفات، فإنه مجيب الدعوات و عالم [الخفيات].

نتیجه

رساله نصایح دانیالیه از شیخ شهاب ابن علاء ابن علی دانیالی فسوی چه‌رمی؛ عارف و شاعر هم‌عصر شاه طهماسب صفوی، دارای ارزش ادبی و تاریخی است. این نصایح که به یکی از بزرگان لار یعنی نظام الدین محمود نوشته شده است، بیانگر تداوم نهضتی است که در

^۲مطالب حاشیه نسخه خطی نصایح دانیالیه.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

قرن نهم ه.ق توسط عبدالله قطب بن محیی صاحب مکاتیب در جنوب فارس و در چند کیلومتری جهرم با بنای شهرکی به نام إخوان آباد شکل گرفت. در این تحقیق، ضمن اشاره به تاریخ و فرهنگ دینی قرن دهم ه.ق در جنوب شیراز و حوالی لار و جهرم، نسخه خطی رساله نصایح دانیالیه موجود در کتابخانه مجلس به شماره ۹۳۷۱ از تألیفات منشور شیخ شهاب دانیالی تصحیح و معرفی شده است.

منابع

- [۱]. شیخ شهاب دانیالی، جواهر الادراج و زواهر الابراج، نسخه خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم شماره ۸۱۳۵.
- [۲]. -----، نسخه مشهد، کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی، شماره ۱۴۸۳۳
- [۳]. -----، نسخه خطی مثنوی بحرالمعارف، کتابخانه مجلس شماره ۹۳۷۱.
- [۴]. -----، نسخه خطی نصایح دانیالیه کتابخانه مجلس شماره ۹۳۷۱.
- [۵]. -----، نسخه خطی الفقریه کتابخانه ملک تهران. شماره ۴۲۱۴.
- [۶]. -----، نسخه خطی مصباح السالکین شیخ شهاب دانیالی کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۲۳۰۲۲.
- [۷]. افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، ریاض الحکماء و حیاض الفضلاء، قم: مکتبه آیه الله مرعشی قم، ۱۴۰۳ ه.ق.
- [۸]. کحاله، رضا، معجم المؤلفین، ناشر مکتبه المثنی بیروت بی تا.
- [۹]. دهخدا لغت نامه، دانشگاه تهران، چاپ جدید بهار ۱۳۷۳.
- [۱۰]. طهرانی، آقابزرگ، الذریعه، دارالاضواء بیروت بی تا.
- [۱۱]. قراگوزلو ذکاوتی، علیرضا، دایره المعارف تشیع، تهران، ۱۳۸۰.
- [۱۲]. اشراق، کریم، بزرگان جهرم، تهران، نشر خیام، ۱۳۵۱.
- [۱۳]. درایتی، مصطفی، دستنوشته‌های ایران، تهران، نشر کتابخانه مجلس ۱۳۸۹.
- [۱۴]. نصرآبادی، محمدطاهر، تذکره، تصحیح محسن ناجی، تهران، نشر اساطیر ۱۳۸۷.
- [۱۵]. توانایی، حیدر، ناسک جهرمی، محمدجواد، رحمانیان، زینب، شناسایی دو اثر ناشناخته از عبدالله قطب بن محیی و معرفی شاگردش شیخ شهاب الدین دانیالی جهرمی، فصلنامه شعر و زبان معاصر، گچساران، ۱۳۹۷. صفحات ۱-۲۱.
- [16]. <https://ketabpedia.com>
- [۱۷]. عبدالله قطب بن محیی، مکاتیب، تصحیح مریم دانشگر، تهران، نشر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۶.
- [۱۸]. بشری، جواد، گناه بخت من است این گناه دریا نیست، مجله نامه فرهنگستان، دوره ۱۰، شماره ۳، ۱۳۸۷، صفحات ۴۸-۶۸.